

روش‌شناسی فقه تربیتی استاد اعرافی*

□ مهدی فتحی**

□ حمیدرضا طوسی***

چکیده

با توجه به نظریه‌پردازی استاد اعرافی دام‌عزه در دانش «فقه تربیتی»، در این نوشتار که به روش اسنادی، کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفته، نسبت به واکاوی روش ایشان در استخراج و اصطیاد مبانی و محتوای فقهی با رویکرد تربیتی اقدام گردیده است. یافته‌های پژوهش آشکار می‌سازد که ایشان بر اصل تأثیر متقابل تربیت و فقه تأکید نموده و بر این نظر است که هر نوع برخورد رفتاری، آداب و احکامی دارد و در جهت بررسی این موضوع، عرصه‌های گوناگون تربیت و محتوای آن را بر ابواب فقه عرضه کرده و سپس تأثیرات متقابل در آن‌ها را ارزیابی و به‌عنوان گزاره‌های دینی مورد تجویز «فقه‌التربیه» قرار داده است.

ایشان در این مسیر، ابتدا نسبت به گردآوری مباحث تربیتی اقدام و پس از آن به تبویب مباحث مورد نیاز فقه با نظر به رفتارهای جوارحی و جوانحی پرداخته و سپس نسبت احکام پنج‌گانه با آن‌ها را مورد بررسی و تحلیل قرار داده و در کنار آن به تعیین و تعریف واژه‌های موضوعات فقهی اقدام

*. تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۷/۲۱؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰..

** گروه قرآن و علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول): (Mahdifathi53@gmail.com).

*** گروه قرآن و علم، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران: (Hrtoosi123@gmail.com).

نموده است. در وهله بعد، با هدف تعیین محمول و حکم فقهی، با بررسی پیشینه بحث و دیدگاه‌های موجود به جست‌وجوی ادله خاص قرآنی، روایی و عقلی می‌پردازند و در بیان ادله، با غور در ادله قرآنی و روایی، با بررسی همه جوانب، به اصطیاد احکام و نظرات تربیتی پرداخته‌اند. ایشان اصل را در ضابطه‌مندی علوم تربیتی، بر رعایت شرع و عدم مخالفت با آن قرار داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: فقه، تربیت، روش‌شناسی، فقه تربیتی.

مفهوم‌شناسی واژه‌های محوری و کلیدی

۱. فقه

کتب معروف لغت، واژه «فقه» را در لغت، به دانستن و فهمیدن معنا کرده اند (جوهری، ۱۴۰۷، ۶: ۲۲۴۳؛ فیروزآبادی، ۴: ۲۸۹؛ ابن‌فارس، ۴: ۴۴۲) و فقه به معنای درک کردن چیزهای مخفی نیز آمده (عبدالناصر، ۱: ۹) و راغب اصفهانی در مفردات، آن را پی‌بردن از معلومات حاضر به معلومات غایب معنا کرده است (راغب اصفهانی: ۴۶۲).

فقه مصطلح، در کلمات کسانی چون شافعی، به «علم به احکام شرعیّه عملیه‌ای که از طریق ادلّه تفصیلیّه» (جلال‌الدین، ۱: ۳۲؛ صدر، ۱: ۱۴۶) تعریف شده است و تقریباً عین همین تعبیر در کلمات فقها و اصولیون فریقین به چشم می‌خورد (الطوسی، ۱: ۲۱؛ الشهید الثانی: ۳۳؛ حکیم: ۱۵). در اصطلاح علمای فقه عصر حاضر نیز از این کلمه، احکام و قوانین عملی اسلام از واجب و حرام و مانند آن‌ها به دست می‌آید. به عبارت دیگر، فقه، دانستن احکام شریعت است از راه استدلال و برهان (گرچی، ۱۳۷۷ش: ۷).

۲. تربیت

در کتب لغت، ریشه واژه «تربیت» (Education) را از دو ماده لغوی «ربو» و «ربب» دانسته‌اند. راغب اصفهانی، در کتاب مفردات الفاظ القرآن در معنای این لغت همان سخن العین را آورده و در کنار آن به بیان قولی نیز قایل شده است که اصل این کلمه از (ربب) می‌داند که یک حرف آن برای تخفیف در لفظ به حرف (ی) تبدیل شده است (راغب اصفهانی: ۳۴۰).

صاحب کتاب معجم مقاییس اللغه قائل است که تربیت از ریشه (رب ی) بوده و دارای یک اصل واحد معنایی است و می‌توان معنای زیاده، نما و علو را از آن به دست آورد. به همین دلیل او قائل است عرب‌زبانان به مکان مرتفع «ربوه» و «الربوه» می‌گویند (ابن‌فارس: همان). ابن‌منظور نیز این واژگان را به معنای زیاده و رشد دانسته است (ابن‌منظور، همان، ۱۴: ۲۰۵).

اما تربیت در اصطلاح دانشمندان، تعریف واحدی نداشته بلکه هرکدام از آنان بر اساس

باب هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و به‌طور کلی فلسفه تربیتی خویش، تعریفی از تربیت ارائه نموده‌اند.

استاد اعرافی در تعریف تربیت اصطلاحی، در کلیات فقه‌الترتیبه چنین آورده است: در اصطلاح، فرایند کمک و یاری رساندن به متربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری که به‌واسطه عامل انسانی دیگر به‌منظور دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفاسازی استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایش صورت می‌گیرد (اعرافی، ۱: ۲۸).

۳. روش‌شناسی

روش یا method در لغت به معنای قاعده و قانون، شیوه، سبک، طریق و اسلوب آمده است. در اصطلاح علوم رفتاری، در معنایی بسیار کلی به طریقه انجام هر کاری، برنامه و راهکارهای رسیدن به مقصود، یا مجموع فعالیت‌ها، وسایل و شیوه‌هایی گفته شده است که رسیدن به مقصد، منظور و هدفی را میسر می‌کند (شایان‌مهر، ۱۳۷۷: ۲۹۵ و ۲۹۶). به‌سخن دیگر، «روش» به پیمودن مسیری برای رسیدن به هدفی اشاره دارد که در علوم نظری درباره راه یا قاعده کشف حقیقت به کار می‌رود و در علوم عملی مانند اخلاق و سیاست و تعلیم و تربیت به راهی گفته می‌شود که برای رسیدن به هدف عملی اتخاذ می‌شود (گروه نویسندگان، ۱۳۹۱: ۴۴۵). بنابراین، «روش ممکن است به مجموعه طرقی که انسان را به کشف مجهولات هدایت می‌کند، مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش به کار می‌روند و مجموعه ابزار و فنونی که آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری می‌کند اطلاق شود» (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱: ۲۴). مقصود از «روش‌شناسی» (methodology) در اینجا، شناخت و بررسی کارآمدی‌ها و ناکارآمدی‌های روش‌های گوناگون است.

چیستی فقه تربیتی

با توجه به آن‌که، هدف و مقصود از تربیت و فرایند آن در این تحقیق، آنچه که مربی در

جهت ایجاد تغییر، رشد و تأثیرگذاری مطلوب بر مرتبی به کار می‌بندد، می‌باشد، و هرآنچه در این فرایند قرار می‌گیرد به نام «آموزش و پرورش» شناخته شده و معروف است، و در همین راستا، ساحت تربیت و آموزش، مقتضی صدور رفتارهایی اختیاری از ناحیهٔ مربیان و متریان می‌باشد. مضاف براین، بدیهی است هر نوع برخورد و رفتاری، دارای آدابی است که به یکی از احکام پنج‌گانه متصف می‌شود. بنابراین مبانی تربیت و رفتارهای مربی و مرتبی در ضمن فرایند تربیت نیز از این قاعده مستثنی نبوده و الزماً متأثر از فقه است. در نتیجه؛ فقه، عهده‌دار تعیین حکم شرعی برای رفتارهای مربی و مرتبی خواهد بود و بر همین اساس، در تعریف فقه تربیتی، گفته شده است: «فقه تربیتی دانشی است که رفتارهای اختیاری صادرشده از مربیان و متریان در مقام تربیت را از لحاظ اتصاف آن‌ها به یکی از احکام پنج‌گانه بررسی می‌کند و برای هر رفتاری حکمی را از ادلهٔ آن استنباط می‌کند» (اعرافی، ۱۳۹۱: ۳۷۹-۳۸۰؛ رزاقی، ۱۳۸۱: ۴۰).

پیشینهٔ فقه تربیتی

دور از اغراق نیست که بگوییم فقه تربیتی دارای قدمتی به اندازهٔ خود فقه و باب احکام است. اما پیشینهٔ فقه تربیتی به‌عنوان یک حوزهٔ مجزای فقهی به حدود ۲۰ سال باز می‌گردد. اندیشهٔ تولید دانش میان‌رشته‌ای به نام «فقه تربیتی» از حدود سال ۱۳۷۷ توسط استاد اعرافی دام‌عزه طرح و به مجامع علمی راه یافت. و سلسلهٔ مباحث درس خارج آن تحت عنوان «فقه التریبه» آغاز و کرسی خاصی را به خود اختصاص داد. گروهی از محققین در سال ۱۳۸۳ با محور قرار دادن متن کلاس‌های فقه التریبه، تحقیق و پژوهش جدی‌تر در این عرصه را با نظارت مستقیم و راهنمایی گام‌به‌گام استاد، آغاز کردند.

اهمیت و ضرورت روش‌شناسی فقه تربیتی

از مجموعهٔ بررسی‌های عقلی در خصوص یک علم، توجه به مسایل فرامسأله‌ای آن می‌باشد که روش‌شناسی یکی از آن‌هاست. با توجه به این نکته، در صورت نیاز به دستیابی و توجه‌دهی

به اهمیت روش‌شناسی یک علم، نخست لازم است اهمیت آن علم تبیین شده و مورد توجه قرار گیرد.

در تبیین اهمیت روش‌شناسی فقه تربیتی، باید به این وضوح توجه داشت که انسان موجودی با نیازهای متعدد است و تأمین و سازماندهی این نیازها، به قوانینی نیاز دارد که بتواند انسان را به مقصود و مقصدش برساند. در میان قوانین دینی مورد نیاز بشر، از جهت ارزشمندی، فقه در جایگاه مقدم بر تمام علوم بشری قرار دارد. اهمیت بالای فقه و صدق این مدعا را می‌توان از کلام پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به دست آورد. ایشان فرموده‌اند: «هر چیزی تکیه‌گاهی (پایه و اساسی) دارد، و تکیه‌گاه (پایه و اساس) این دین، فقه است» (نهج‌الفصاحه، ش ۴۶۳۱: ۳۳۳).

اهمیت علم فقه در آن است که با مشخص ساختن قوانین الهی و کشف و تبیین آن‌ها و تنظیم اعمال فردی و جمعی مسلمانان، راه رسیدن به این مصالح و بهره‌مندی از سعادت دنیوی و اخروی را فراهم می‌سازد (موسوعه الفقه الاسلامی، ۱۴۲۳، ۱: ۹).

یکی از مهم‌ترین راه‌های رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی، تنظیم اعمال فردی و جمعی از حیث تربیتی می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت فقه تربیتی که یکی از عرصه‌های جدید و نوظهور در تربیت پژوهی است جایگاه ویژه و والایی در بین علوم داشته و در قدم بعد، می‌توان جایگاه ارزشمند علوم مرتبط با آن را نیز به دست آورد و روش‌شناسی فقه تربیتی از آن جمله می‌باشد.^۱ اهمیت روش‌شناسی فقه تربیتی از آن‌جا بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد که در این محور، بنا بر آن است تا به گزاره‌های علم فقه تربیتی با نگاه عقلی و تحلیلی نگریسته شود، نه از دید هویت‌شناختی (موسوی، ش ۳۰: ۱۴).

روش‌شناسی فقه تربیتی استاد اعرافی زیدعزه (بیان مسأله، تعیین قلمرو و طرح موضوع مقاله) همان‌طور که بیان شد، ساحت تربیت، مقتضی صدور رفتارهای اختیاری از ناحیهٔ مربیان و متربیان است که به یکی از احکام پنج‌گانه فقهی متّصف می‌شود. در این بین مبانی تربیت نیز متأثر از فقه خواهد بود. فقه تربیتی دانشی است که رفتارهای صادره با رویکرد تربیتی را از دید فقهی بررسی و از ادلهٔ هر یک از آن‌ها، حکمی را استنباط می‌کند.

با توجه به صاحب‌نظر بودن استاد اعرافی دام‌عزه در فقه و نیز تخصص در علم تربیت و

علوم مربوط به آن، واکاوی و شناخت روش ایشان در استخراج مبانی و محتوای فقهی با رویکرد تربیتی می‌تواند به گسترش این دانش و ارتقای آن و الگودهی به جویندگان دانش کمک بسیار کند و نیز در برداشت و تفسیر تربیتی آیات مختلف قرآن و استنباط مبانی تربیتی از آن‌ها به کمک مفسران بشتابد.

این تحقیق به دلیل آن‌که با استفاده از زمینه فراهم‌شده از طریق تحقیقات بنیادی برای رفع نیازمندی‌های محققین حوزه فقه، تربیت و حتی تفسیر مورد استفاده قرار می‌گیرد از نوع تحقیق بنیادی و مبنایی است و نیز به دلیل کمک به کشف حقایق و واقعیت‌های حوزه تربیت و فقه، می‌توان گفت یک تحقیق توصیفی-کاربردی نیز می‌باشد.

واکاوی اندیشه‌ها و روش‌های کلی استاد

۱. بررسی اشتراک موضوعی فقه و تربیت

در ابتدا باید به نحوه ورود ایشان به این باب فقهی جدید (فقه تربیتی) که در روش استنباط احکام تربیتی ایشان نیز مؤثر بوده است اشاره نمود. نقطه آغاز این ورود، توجه ایشان به اشتراک موضوعی فقه و تربیت است. ایشان مرزهای کاربردی و دایره علم فقه و علم تربیت را حول محور انسان و رفتارهای متربی ذکر نموده و بیان می‌دارند:

عوامل تربیتی درصدد تأثیرگذاری بر متربی هستند و مرکز این تأثیرگذاری، اندیشه‌ها، بینش‌ها، گرایش‌ها و به‌ویژه رفتارهای متربی است؛ ولی بیشتر نمود این تأثیرات، رفتارهای خارجی متربی است. از سوی دیگر موضوع فقه، انسان و شئون مختلف او، به‌ویژه اعمال و رفتار اوست (اعرافی، ۱۳۸۷، ۱: ۵۳).

هرچند ایشان نوع نگاه فقه و تربیت را به متربی متفاوت دانسته و نگاه فقه را به انسان، نگاه شرعی و نگاه تربیت را تغییر مطلق بینش و رفتارهای او و اصلاح آن دانسته‌اند (همان). یکی دیگر از زمینه‌های اشتراک فقه و تربیت از منظر ایشان، که آن را هدف نهایی این دو علم بر شمرده‌اند دعوت متربی به سوی کمال بوده و از جمله اهداف واسطه‌ای این دو نیز آرامش روح و روان ذکر شده است (همان).

طبق نظر ایشان اهداف این علم جدید باید مطابق با اهداف دانش مادر یعنی دانش فقه باشد؛ چه این که فقه تربیتی شاخه‌ای از دانش فقه است و هدف فقه تربیتی استنباط احکام است.

از نظر ایشان علی‌رغم آن که فقه تربیتی بخشی از دانش فقه است در روش‌شناسی آن هیچ تغییری ایجاد نمی‌شود و همان روش فقهی است (اعرافی، ۱۳۹۱، ۱: ۳۸۶) که در مسیر استنباط احکام فقهی با رویکرد تربیتی، آن را رعایت نموده‌اند.

۲. رابطه، تعامل و تأثیر متقابل تربیت و فقه

روش کلی استاد اعرافی دام‌عزه در ورود به فقه تربیتی با پیش‌زمینه تأثیر متقابل تربیت و فقه می‌باشد. آثار ایشان حاکی از آن است رفتارهایی که از مربی و متربی صادر می‌شود مصداقی از رفتار مکلف است و در نتیجه مصداقی از موضوع فقه و حوزه فقه قرار می‌گیرد (اعرافی، ۱۳۸۷، ۱: ۶۰).

همان‌طور که در بخش قبلی اشاره گردید، ایشان در خصوص بررسی تأثیر تربیت بر فقه بر آن است که عرصه‌های گوناگون تربیت از قبیل مبانی، اصول، روش‌ها، اهداف، مراحل و محتوای آن به فقه عرضه شود و سپس تأثیرات فقه در مورد آن‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته و به‌عنوان گزاره‌های دینی مورد تجویز فقه قرار گیرد (همان). این از مبانی فکری، اصول مسلم و باور بنیادین روش ایشان در ورود به فقه‌التربیه است که آثار و ایشان بر آن استوار می‌باشد. از باب نمونه در مقاله «آموزش حفظ قرآن در مهدهای کودک از منظر فقه تربیتی» مشاهده می‌گردد که ایشان ابتدا با تتبع در منابع روایی، معانی قابل برداشت از «حفظ قرآن» را مورد اشاره قرار داده، سپس به موازات در نظر گرفتن جایگاه تربیتی مهدهای کودک در رشد تربیتی کودکان، به بررسی ادله این موضوع پرداخته و با استناد به شرایط تکلیف، به این نتیجه رسیده‌اند که:

در این ادله قدر متیقنی وجود دارد که عبارت از تکالیف الزامی اعم و جوب و حرمت است. اما تکالیف رجحانی، استحباب و کراهت، مشمول این ادله نخواهند شد.

به‌طور کلی، تکالیف رجحانی و مستحبات، همچنین ترک مکروهات، مقید به شرایط تکلیف نیستند و به همان دلیل که شخص ممیز، قادر به فهم و تمییز آن مسایل بوده و توان انجام آن‌ها را دارد، کودک نابالغ نیز می‌تواند مخاطب این ادله قرار گیرد و از ثواب مذکور آن بهره‌مند شود (مطالعات فقه تربیتی، ۱۳۹۷، ش ۱۰: ۲۹-۵۲).

سپس بر اساس همین استدلال، به شرح ذیل، نتیجه تجویز بر استحباب تعلیم حفظ قرآن بر کودکان نابالغ را می‌گیرند:

تمامی شروط موجود در خطابات حوزه تعلیم قرآن، در موارد وجوب تعلیم، شامل کودکان نمی‌گردد اما در مراتب و مواردی که تعلیم مستحب باشد، این استحباب شامل کودک ممیز هم می‌شود و اصل اولی در تعلیم حفظ قرآن نیز استحباب است. بنابراین تعلیم حفظ قرآن مشروط به بلوغ نبوده و استحباب آن شامل کودکان نابالغ نیز می‌گردد (همان).

در کلیه موضوعات تحقیقی و آثار ایشان خاصه پژوهش‌های انجام‌شده در موضوع فقه تربیت فرزند و کودک مانند «آموزش حفظ قرآن در مهدهای کودک از منظر فقه تربیتی» (همان)، «حکم فقهی استفاده از بازی در تربیت» (همان، ۱۳۹۴، ش ۴) و یا «وظیفه خانواده در تربیت دینی فرزندان از منظر سیره» (همان، ش ۳۲: ۵۵-۷۹) و مانند این‌ها می‌توان مشاهده کرد که در کنار اشاره به مبانی دینی به‌واسطه گزاره‌های بنیادی تربیت (که از منابع و متون دینی مورد برداشت قرار گرفته است) به مبانی فقه تربیتی نیز توجه کرده‌اند. مضاف برآن، می‌توان به این نتیجه رسید که استنباط احکام تربیتی در آن موضوع خاص بر اساس مبانی فلسفی نیز بوده است؛ چراکه از ملاحظه‌های فلسفی مربوط به طبیعت آدمی، هدف‌ها و غایت‌های تربیت استنتاج شده است. از سوی دیگر در بیان موضوع از گزاره‌های ناظر بر ویژگی‌های زیستی، اجتماعی و روانی انسان‌ها نیز بهره‌جسته‌اند؛ بنابراین کار ایشان از مبانی علمی نیز برخوردار می‌باشد. توجه ایشان به قدرت فهم و تمییز مسایل و توان انجام آن‌ها توسط کودک ممیز و غیر ممیز و تأثیر آن در تکلیف و استحباب و وجوب حکم در مقاله «آموزش حفظ قرآن در مهدهای کودک از منظر فقه تربیتی» (همان، ۱۳۹۷، ش ۱۰: ۲۹-۵۲) را می‌توان در این مسیر دانست. این اصل، همان مبنا و روش

ایشان است که در روزهای آغازین برگزاری کرسی درس خارج فقه تربیتی خود و ابتدای ورود به نشر و گسترش این دانش، در بیان قواعد حاکم بر رفتارهای تربیتی و مؤثر در آنها و تعریف قواعد مصرحه و غیر مصرحه، بر آن تأکید می‌نمایند: «تدریج را باید، رعایت کرد ظرفیت تربیتی را باید رعایت کرد» (اعرافی، ۱۳۷۷ / ۸ / ۵).

فضا و حوزه کاری ایشان و پذیرش این مسأله و موضوع و اصرار ایشان بر رعایت آن در طول پرداخت به دانش فقه تربیتی از ابتدا تاکنون، نشان‌دهنده اعتقاد استاد و گویای مبنای فکری ایشان می‌باشد. این به نوبه خود دال بر این است که نظرات ایشان از جمله فرضیه‌های زودگذر علمی در مقابل قرآن نبوده و به دلیل تکیه بر مبانی دینی همیشه ثابت می‌باشد. گواه بر این موضوع، ادله قرآنی و روایی بیان شده در آثار ایشان از جمله مقاله «بررسی تعلم حدیث از منظر فقه تربیتی» (مطالعات فقه تربیتی، ش ۲۷) است.

ایشان در خصوص چگونگی تعامل میان فقه و تربیت، که در کتاب «فقه تربیتی؛ مبانی و پیش فرض‌ها» بدان اشاره نموده‌اند بر این نظر هستند که این دو، به ظاهر در دو عرصه مستقل و جدا از یکدیگر می‌باشند اما زمینه‌هایی برای تعامل و تأثیر و تأثر متقابل در آنها وجود دارد و این تعامل به دو صورت متصور است:

۱. اظهار نظر فقه درباره مسایل، محتوا و عناصر تربیت؛ با صرف نظر از اسلامی و دینی بودن تربیت؛ ۲. اظهار نظر فقه درباره مسایل، محتوا و عناصر تربیت با در نظر گرفتن تربیت در یک جامعه اسلامی. (بدین معنا که در مسیر ارائه تعاریف هریک از عناصر تربیتی به فقه روی آورده و بررسی شود که کدام یک از این عناصر، از فقه و احکام آن قابل استخراج و اکتشاف است تا در این صورت به واسطه فقه به تربیت رنگ و بوی اسلامی و دینی بخشیده شود).

در مقاله «تأثیرات دانش فقه بر مسایل دانش تربیت» نیز که به تفصیل به این موضوع پرداخته شده است اشاره می‌گردد که «دانش تربیت یکی از علوم انسانی است که به مطالعه انسان و به شکل تخصصی به مطالعه فرایند تربیت می‌پردازد و بر اساس روش‌شناسی خود به توصیف و تبیین و سپس تجویزاتی درباره تربیت اقدام می‌کند. این دانش با دانش فقه مناسباتی دارد. هرچند فقه به عنوان یکی از علوم اسلامی، ماهیتی تجویزی دارد، اما

می‌تواند خدماتی معرفتی به دانش تربیت ارائه نماید». در این اثر، خدمات معرفتی دانش فقه به دانش تربیت در شش عرصه به صورت بسیار دقیق، دسته‌بندی و ارائه شده است که شامل: ۱. تأثیر بر موضوع؛ ۲. تأثیر بر محمول؛ ۳. تأثیر بر مسایل و قضایای دانش تربیتی؛ ۴. تأثیر بر روش تحقیق؛ ۵. تأثیر بر اهداف و ۶. تأثیر بر فواید و کارکردها می‌شود. این مقاله، تأثیر فقه بر مسایل دانش تربیت را در دو بخش «تأثیر بر گزاره‌های توصیفی دانش تربیت» و «تأثیر بر گزاره‌های تجویزی دانش تربیت» را بررسی می‌کند (پژوهش‌نامه فقهی، ۱۳۹۰، ش ۵).

دیدگاه ایشان بر توانایی و امکان کسب تحلیل تربیتی، اخلاقی و عرفانی از احکام و تبیین جنبه‌های فقه نیز قابل تأمل و درخور توجه است. ایشان بر این اعتقادند که تربیت چه به معنای عمل و فرایند پرورش یا زمینه‌سازی آن و چه به معنای دانش تعلیم و تربیت و همچنین علوم تربیتی (به‌عنوان دانشی که در خدمت تربیت است) در فقه تأثیرگذار می‌باشد و این تأثیرات به‌طور عمده در زمینه‌های گوناگونی قابل مشاهده‌اند؛ مانند عرضه موضوعات نوین به فقه، تبیین موضوعات فقهی تربیتی، تحلیل تربیتی احکام فقهی و از همه مهم‌تر تدوین عرصه فقه تعلیم و تربیت و تأثیر در مبانی احکام فقهی (اعرافی، ۱۳۸۷، ۱: ۶۴ و ۶۳).

آنچه در شیوه و روش کلی ایشان در آثار ارائه‌شده نقش اساسی دارد و مهم می‌نماید این است که محدودسازی و ضابطه‌مندی علوم تربیتی را بر اساس و اصل رعایت شرع و عدم مخالفت با آن قرار داده است. بدین معنا که هرگاه یک شیوه تربیتی با اصول و مبانی اسلامی مخالفت، تعارض و مواجهه داشته باشد و تشکیل و تجویز یک شیوه تربیتی بر اساس شرع نباشد با آن مخالفت شده و رد می‌شود و در برخورد با مصادیق متعارض و ناسازگار، حل این تعارضات با اصل حفظ اصالت دین بوده است.

۳. مرحله دسته‌بندی و تبویب مباحث فقه

با توجه به نوع رفتارهای انسانی و مواجهه بشر با حوزه‌ها و ساحت‌های مختلف زندگی و لزوم آشنایی مکلفین با احکام مبتلابه هر حوزه، فقهای شیعه بر آن شده‌اند تا احکام مرتبط با

ساحت‌های مختلف زندگی انسان را در دسته‌بندی مشخصی بر اساس نوع علوم و اشکال رفتارها تقسیم‌بندی نمایند.

در همین راستا، فقیه‌های سلف شیعه به تقسیم و تبویب فقه نیز اهتمام ورزیده‌اند. معروف‌ترین این تقسیم‌ها، تقسیم‌بندی صاحب کتاب شرایع الاسلام، محقق حلی است که ابواب فقه را به چهار قسم عبادات، عقود، ایقاعات و احکام تقسیم کرده است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق).

در آثار استاد اعرافی زیدعزه تقسیم‌بندی و تبویب ابواب فقه تربیتی را از چند منظر می‌توان مشاهده نمود. در اثری، بر اساس ارتباطات چهارگانه انسان با خداوند (فقه عبادی)، خود، دیگران (فقه حکومتی، قضائی، جزائی، تربیتی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، مدیریتی و خانواده) و طبیعت (فقه منابع طبیعی یا محیط زیست) عمل کرده و در جایی دیگر با توجه به این‌که ایشان در ترتیب موضوعات فقهی، اولویت را با ابوابی که بیشتر در ارتباط با دیگران سودمند باشد قرار داده می‌توان گفت مانند فاضل مقداد (م ۸۲۶) شیوه فلسفی را در تقسیم‌بندی، مورد توجه قرار داده‌اند. غیر از این دورویکرد در مطالعه فقه تربیتی، می‌بینیم در مقاله «تأثیرات دانش فقه بر مسایل دانش تربیت» تلاش شده است بر اساس دسته‌بندی دانش تربیت به توصیفی و تجویزی، تأثیر فقه بر مسایل دانش تربیت را نیز در دو محور گزاره‌های توصیفی و تجویزی مورد بررسی قرار دهد. و در همین مقاله، تربیت را بر اساس ابعاد وجودی متربی مانند بعد بدنی، عقلانی و اخلاقی و نیز مراحل تربیت به مقتضای سن متربی مورد واکاوی قرار داده‌اند.

در بیان روش‌های کلی استاد اعرافی زیدعزه در باب تقسیم‌بندی و دسته‌بندی فقه تربیتی، توجه به صورت‌های عرضه فقه تربیتی و احکام تربیتی استنباط‌شده از منابع اسلامی نیز قابل تأمل است. ایشان عرضه فقه تربیتی را در سه صورت به تصویر می‌کشند و آثار ایشان در این حوزه نیز در همین سه دسته و صورت گنجانده می‌شود. این سه صورت عبارت‌اند از:

الف) فقه تربیتی تمام‌استدلالی (که مسایل و همه ادله مطرح را به تفصیل بررسی می‌کند. مانند کتاب «فقه تربیتی یادگیری علم و دین» که نخبگان حوزوی و فقه‌پژوهان جامعه، هدف و مخاطب آن بوده است)؛

ب) فقه تربیتی نیمه‌استدلالی (که برخی از ادله را به شکل مختصرتر بررسی می‌کند. مانند کتاب «تربیت فرزند با رویکرد فقهی» که دانشجویان علوم رفتاری جامعه، هدف و مخاطب آن می‌باشند)؛

ج) فقه تربیتی فتوایی یا گزاره‌ای (که تنها احکام و گزاره‌های فقهی استنباط‌شده را گردآوری می‌کند. مانند کتاب «احکام تربیت فرزند» که تحت نظر خود ایشان و تحقیق و نگارش سیدنقی موسوی جهت عموم مردم، والدین و مربیان به شکل عام به رشته تحریر در آمده است).

لذا روش ایشان در این سه صورت، عرضه بر اساس نیاز مخاطب و توجه به جامعه هدف بوده است (اعرافی، ۱۳۹۳: ۲۱).

زیبایی توجه ایشان و مجموعه تحت نظرشان در تقسیم‌بندی‌ها، آن‌جا تکمیل می‌شود که در دایره فقه تربیتی، احکام تربیتی را از منظری دیگر به «احکام فراساحتی» و «احکام ویژه ساحات تربیتی» تقسیم می‌نمایند (همان) و در آثار فقهی خودنوشته و تحت نظر خود، این روش را مد نظر قرار می‌دهند و ابتدا به فقه فراساحتی ورود نموده و به عرضه آن می‌پردازند (مانند کتاب «احکام تربیت فرزند» یا مقالاتی چون «تأثیرات فقه بر نظام تربیتی» (راهبرد فرهنگ، ش ۳۶: ۱۳-۱۱۳) و سپس و به موازات آن، احکام ویژه ساحات تربیتی را نیز مورد توجه قرار می‌دهند. کتاب «تربیت فرزند با رویکرد فقهی» با اشاره و توجه به ساحات‌های مختلف تربیتی در حیطه شناختی، عاطفی و رفتاری از این قبیل است و نیز در دو فصلنامه فقه تربیتی می‌توان این رویکرد را به وفور مشاهده نمود. از باب مثال اولین مقاله ایشان^۲ در جلد اول این نشریه با نام «عدالت‌ورزی میان فرزندان؛ بررسی فقهی» را می‌توان از این سبک بر شمرد.

مضاف بر موارد ذکرشده در دسته‌بندی ابواب فقه تربیتی، روش ایشان در بیان فقه تربیتی، ناظر به همه ابعاد و ساحات‌های ارتباطی انسان است و توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی را نیز مانند آنچه در بررسی روایت خیشمه آمده، مد نظر قرار داده‌اند. در همین زمینه ایشان در تعریف مقصود از فقه التریبه می‌نویسند:

تربیتی که در این‌جا ما اصطلاح قرار می‌دهیم شامل قلمرو تعلم و تربی هم می‌شود.

به هر حال اگر کسی در مقام تربیت برآید در نقطه مقابل تعلم و تربی وجود دارد، اگر ما احکام و خصوصیات فقهی در باب مسایل تعلم و تربی یعنی در فراگیری طرف مقابل تعلیم و تربیت داشته باشیم، آن هم منظور ما خواهد بود. در واقع تربیتی که این جا می‌گوییم تسامحاً شامل رفتارهایی در مقام تعلم و تربی نیز می‌شود. یعنی اگر برای رفتارهایی در مقام تعلم و تربی، احکامی در فقه آمده باشد، در این مباحث مورد توجه قرار می‌گیرند. در بعضی از آداب مثل مستحبات و واجبات ممکن است يك سلسله احکامی به رفتارهای متعلم و متربی در مقام تعلم و تربی برگردد که آن‌ها هم منظور ماست؛ و وقتی که فقه التربیه می‌گوییم علاوه بر حدود و شمولی که در نکات قبلی داشت شامل قسمت‌های مربوط به تعلم و تربی هم می‌شود، زیرا ما احکامی داریم که جدا کردن آن‌ها از فقه التربیه و ابواب التربیه وجهی ندارد. مثل این که متعلم و متربی چه آداب و مستحباتی باید در جلسه داشته باشد. دارای احکامی است که به نوعی با تربیت مرتبط است، البته نمی‌خواهیم بگوییم عنوان تربیت به همان مفهومی که قبلاً گفتیم، به عنوان مفهوم دقیق شامل این می‌شود ولی تسامحاً و استطراداً آن را در این مباحث قرار می‌دهیم (اعرافی، ۱۳۷۷/۷/۱۳).

۴. مرحله گردآوری و تنظیم مباحث تربیتی

پس از مرحله تبویب و دسته‌بندی، ایشان به گردآوری و تنظیم مباحث تربیتی اقدام نموده و در کنار آن، طرح موضوعات جدید تربیتی با رویکرد فقهی را مورد توجه قرار داده‌اند. در این باره می‌توان به دو مقاله «جواز آموزش درباره ادیان از منظر فقه تربیتی» (مطالعات فقه تربیتی، ۱۳۹۶ ش ۷: ۷-۳۶) و یا «قواعد عمومی جاری در ساحت تربیت جنسی در فقه تربیتی» (همان، ۱۳۹۸، ش ۱۲) اشاره نمود.

همچنین ایشان با وام‌گیری بعضی موضوعات تربیتی از علم اخلاق، نگاه فقهی خود را به موضوعات بیشتری معطوف داشته و مورد مذاقه قرار داده‌اند. از باب مثال، با نگاهی کلی و افقی گسترده از لابلای دستورات دینی و گزاره‌های فقهی سعی بر استخراج یک قاعده کلی مانند «تنبیه» و یا «تشویق» به عنوان یک اصل تربیتی برآمده و با همین روش نشان داده‌اند که

برخی از روش‌های تربیتی مانند باب‌های فقهی حدود، دیات، کفارات را می‌توان از فقه برداشت نمود. از همین روش می‌توان نوع نگاه ایشان به موضوع را پدیدارشناسانه دانست؛ یعنی مبنای خود را بر این قرار داده‌اند که در هر عنوانی، حقیقتی وجود دارد. بنابراین در پژوهش‌ها، آثار و کرسی درس خود با رویکرد پدیدارشناسی، به شناسایی، توضیح صریح، مطالعه پدیده‌ها، و توصیف آن‌ها پرداخته و پس از آن در صورت صلاح و قابلیت، به ارزش‌گذاری، تأویل و یا قضاوت ارزشی پرداخته‌اند.

۵. مرحله تعیین و تعریف واژه‌های موضوعات فقهی

پس از بیان پیش‌زمینه‌های اولیه و کلی روشی ایشان، باید به این نکته اشاره نمود که استاد اعرافی دام‌عزه، در کرسی‌های درس خود، به خوبی به تعیین و تعریف واژه‌های موضوعات فقهی پرداخته و با روشن نمودن دقیق گستره‌های مفهومی آن‌ها، از نقش بسزای موضوعات عرفی نیز غفلت نورزیده‌اند. هرچند بیان مفهوم‌شناسی عبارات موضوعات فقهی در همه آثار مکتوب ایشان و یا تحت نظر ایشان مشاهده نمی‌گردد؛ لکن در موارد عمده به صورت دقیق و موشکافانه بدان‌ها پرداخته شده است. مانند آنچه در متن مقاله «بررسی تعلم حدیث از منظر فقه تربیتی» (همان، ش ۲۷) در بیان مفهوم عناوینی چون «تعلم»، «حدیث»، «اثر»، «خبر»، «روایت»، «سنت» و نیز در متن مقاله «بررسی قاعده فقهی علم نافع در تعلیم و تعلم» (همان، ش ۱۰: ۱۳۷-۱۶۹) به بیان تفاوت «نفع و علم نافع» و «علوم مضر» بدان پرداخته شده است و البته در بعضی از آثار ایشان مانند مقاله «جواز آموزش درباره ادیان از منظر فقه تربیتی» (همان، ۱۳۹۶، ش ۷: ۷-۳۶) و یا مقاله «وظیفه‌مندی عمومی در تربیت اخلاقی در فقه تربیتی» (همان، ش ۱۳۹۷، ش ۹) بدین موضوع یا به صورت گذرا پرداخته شده و یا توجهی بدان نشده است.

۶. بررسی ادله خاص قرآنی، روایی و عقلی

در وهله بعد طبق آنچه که انتظار می‌رود ایشان با هدف تعیین محمول و حکم فقهی، با بررسی

پیشینه بحث و دیدگاه‌های موجود به جست‌وجوی ادله خاص قرآنی، روایی و عقلی می‌پردازند (همان).

در بیان ادله، بهره‌گیری و بررسی و ارائه ادله قرآنی و روایی با موضوعات فقهی مورد نظر ایشان بوده و با غور در آن‌ها و بررسی همه جوانب، به اصطیاد احکام و نظرات تربیتی پرداخته‌اند و نیز در کنار توجه به رویکرد ایجابی در بررسی ادله، بررسی جنبه سلبی ادله و آیات و روایات را نیز مورد دقت و توجه قرار داده‌اند. از باب مثال، در متن مقاله «بررسی تعلم حدیث از منظر فقه تربیتی» (همان، ش ۲۷) در بخش ادله مطلق تعلم حدیث، توجه نویسنده مقاله به ظواهر آیات و روایات مانند توجه به صراحت آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» بر وجوب اطاعت معطوف شده است. و یا استنباط استحباب علم آموزی با توجه به رجحان شرعی قاعده کلی اصل «دانش‌اندوزی».

توجه به احتمالات در ادله و نیز به معنای الفاظ و رای آن‌ها مانند آنچه در قسمت بررسی دلالی روایات در متن مقاله «بررسی تعلم حدیث از منظر فقه تربیتی» (همان) رخ داده است از دیگر روش‌های ایشان در مسیر پژوهش می‌باشد.

نکته‌ای که در مقاله «قواعد عمومی جاری در ساحت تربیت جنسی در فقه تربیتی» مشاهده شده و الگودهنده است، آن‌که در بررسی ادله عام جاری در ساحت جنسی جهت به‌دست‌آوردن کبری و صغرای موضوع، ایشان به‌صورت طبیعی ابتدا به بررسی ادله عام قبل از ادله خاص ورود داشته‌اند (همان، ۱۳۹۸، ش ۱۲).

۷. بهره‌گیری از آموزه‌های تربیتی

منزلت آموزه‌های علوم تربیتی به‌عنوان منبع در نزد استاد را می‌توان در ورود و بهره‌گیری از آن‌ها در گستره آثار ایشان و توجه به زوایای مختلف تربیت مشاهده نمود. از آن جمله توجه به آموزه‌های بنیادین و ریشه‌ای تربیت مانند: «رعایت توان متری، وظیفه‌مندی عمومی، علم نافع، رفتارهای جوانحی، ضمیر ناخودآگاه» و آموزه‌های تربیتی پیشگیرانه مانند: «صیانت فرزندان از گناه، مشورت، جواز و یا عدم جواز آموزش درباره ادیان» و نیز ابزارها و قالب‌های

تربیتی مانند: «استفاده از بازی در تربیت» و دیگر عناوین آموزه‌های تربیتی مانند: «عدالت‌ورزی، توکل، مدارا، تربیت فرزندان، وظیفه خانواده در تربیت دینی فرزندان، تعلیم قرآن، تعلیم حدیث، تربیت اجتماعی، تربیت جنسی». همه این ساحت‌ها و جوانب از آموزه‌های تربیتی، گویای عنایت استاد به شیوه‌ها و بیان مسایل تربیتی و ذکر نکات باریک روان‌شناختی در حوزه آموزه‌های تربیتی می‌باشد.

چند نمونه از تلاش ایشان در اقتناء به این مقصود:

۱. در مقاله «بررسی تعلّم حدیث از منظر فقه تربیتی» (مطالعات فقه تربیتی، ش ۲۷) در بررسی ادله مطلق تعلّم حدیث، پس از بررسی وجوب اطاعت و استحباب علم‌آموزی و اسلام‌شناسی به بحث مطلوبیت احیای امر پرداخته و اراده معصوم از لفظ «أمرنا» در روایت «احیای امر» را چنین مورد اشاره قرار می‌دهد: «حال مراد از «أمرنا» یا بیان «فضایل احادیث و علوم اهل بیت (علیهم‌السلام)» است یا مراد مسأله «حکومت، ولایت و زعامت سیاسی» ایشان می‌باشد».

در ادامه همین مقاله نیز می‌بینیم که پدیدآورندگان، پس از بررسی سندی روایات، در بررسی دلالتی آن نیز با همین رویکرد می‌پردازند.

۲. در مقاله «جواز آموزش درباره ادیان از منظر فقه تربیتی» (همان، ش ۷: ۷-۳۷) آیه ۱۷ سوره زمر را مورد اشاره قرار داده در جهت استدلال و تبیین دقیق‌تر از مدلول این کریمه به مطالبی اشاره می‌کند که گویای چگونگی بهره‌گیری ایشان از آیات و آموزه‌های تربیتی می‌باشد.

بهره‌گیری ایشان از قاعده «اهم و مهم درباره منافع» (دلیل عقلی) و قاعده «تعاون بر نیکی» و «لزوم استفاده از فرصت‌های کوتاه عمر» (دلیل نقلی) در مقاله «بررسی قاعده فقهی علم نافع در تعلیم و تعلم» (همان، ش ۱۰: ۱۳۷-۱۶۲).

۳. در پاسخ به مناقشه «سخن از واجب شدن تربیت ارزش‌های عبادی توسط شرع مقدس و نیز فرمان مستقیم به والدین مبنی بر «امر» به کودکان در انجام عبادات، ممکن است این تلقی را به وجود آورد که ملاک و معیار در آموزش نماز و روزه باید الزام، قاطعیت و شدت عمل باشد. لذا والدین باید به هر شکل ممکن، گرچه با زور و اجبار، فرزندان خویش را به امور عبادی ملتزم نمایند» در مقاله «بررسی نقش مدارا در تعلیم و تربیت

ارزش‌های عبادی با رویکرد فقهی» (همان، ش ۱۰: ۱۱۱-۱۳۶) به سه نکته استدلال و پرداخته شده است که می‌توان ورود سلبی ایشان به موضوع و رد آن را، نوعی معیار و بهره‌گیری از آموزه‌های تربیتی دانست.

۴. توجه و استناد به «وجوب ارشاد جاهل در احکام الزامی و مورد نیاز مکلفان» با عنوان «ترک بیان حکم» و بهره‌گیری از آن در بررسی و بیان ادله عام الزامی جاری در تربیت جنسی (همان، ش ۱۲).

در بررسی ادله، روش ایشان در کنار توجه به رویکرد ایجابی، بررسی و توجه سلبی ادله و آیات و روایات نیز بوده است. مانند آنچه در «عدم مطلوبیت اخذ علم از غیر اهل بیت:» (همان، ش ۲۷) توجه داشته‌اند.

این نوع بهره‌گیری از آموزه‌های تربیتی به دلیل فراگیری و مقبولیت آن‌ها در نزد عموم، دارای این مزیت می‌باشد که مخاطب و مرتبی، خاصه مرتبی صاحب‌خرد، در قبول سریعتر نتیجه مأخوذه از چینش صغری و کبرای موضوع، یاری شده و با توجه به عمومیت این ادله، اقتناع او آسان خواهد بود.

اصول استنباط لفظی استخراج حکم فقهی

در خصوص نوع اصول استنباط لفظی ایشان در استخراج احکام فقهی، و بهره‌گیری از پنج اصل اصالة الاطلاق، اصالة الظهور، اصالة عدم التقدير، اصالة الحقیقه و اصالة العموم، در بررسی آثار استاد اعرافی زیدعزه به مواردی از آن‌ها بر می‌خوریم که در ذیل به صورت مختصر به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. اصالة الاطلاق

۱. در مقاله «بررسی تعلّم حدیث از منظر فقه تربیتی» (مطالعات فقه تربیتی، ش ۲۷) در جهت استنباط وجوب فراگیری حدیث با بهره‌گیری از آیه «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول واولی الامر منکم» (نساء: ۵۹) وجوب اطاعت را مطلق دانسته و دایره شمول

آن را هرگونه تبعیت از پیامبر و امام علیه السلام بیان می‌دارند.

۲. در بررسی دلالی صحیحۀ فضیل بن یسار: «... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: الْحَافِظُ لِلْقُرْآنِ الْعَامِلُ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۶۰۳؛ مطالعات فقه تربیتی، ش ۱۰: ۲۹-۵۲) آمده است که در این روایت، «حافظ قرآن»، مطلق بیان شده و برای آن ویژگی یا سن خاصی ذکر نشده است. از این رو کودک نابالغ نیز مخاطب این حکم است.

۳. در آموزش برخی آداب و احکام مرتبط با قرآن به کودکان یکی از آموزش‌های تمهیدی، لمس نکردن آن بدون طهارت است. در روایت حریز آمده: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: كَانَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِنْدَهُ فَقَالَ يَا بَنِي أَقْرَأَ الْمُصْحَفَ - فَقَالَ: إِنِّي لَسْتُ عَلَى وُضوءٍ. فَقَالَ: لَا تَمَسَّ الْكِتَابَةَ وَ مَسَّ الْوَرَقَ فَأَقْرَأْهَا» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱: ۳۸۳). روایت بر منع لمس قرآن به طور مطلق دلالت دارد و اختصاص به مکلفان ندارد و کودکان نابالغ را نیز شامل می‌شود. گرچه ممکن است عبارت «یا بنی» قرینه‌ای بر شمول روایت نسبت به کودکان باشد؛ اما دستور به قرائت قرآن حاکی از آن است که فرزند توانایی خواندن قرآن پیدا کرده است. بنابراین عبارت مذکور با قبل و بعد از بلوغ سازگار است (مطالعات فقه تربیتی، ش ۱۰: ۲۹-۵۲).

۴. در بررسی و بیان مراتب متعدد معنای «اهل» در آیه وقایه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (مریم، آیه ۶) در مقاله «قواعد عمومی جاری در ساحت تربیت جنسی در فقه تربیتی» (همان، ش ۱۲: ۴۱-۷۳) اشاره به این می‌گردد که اولیا محدود به والدین نشده و شامل بستگان نزدیک یعنی برادر، خواهر و دیگر بستگان نزدیک که به نوعی با مرتبگی زندگی می‌کنند می‌شود. پس در بهره‌گیری از این آیه، از اصالة الاطلاق استفاده شده است.

۵. در واکاوی مفاد اعانه بر برّ (کمک به خیر) در آیه ۲ سوره مبارکه مائده «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالتَّوَدَّانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» در مقاله «قواعد عمومی جاری در ساحت تربیت جنسی در فقه تربیتی» (همان) دو احتمال ذکر شده

است. در بیان احتمال اول در این مقاله، اشاره می‌گردد که صیغه امر در «تعاونوا» ظهور در وجوب دارد؛ ولی ظهور صیغه امر با اطلاق برّ و تقوا تعارض می‌کند و اطلاق برّ و تقوا، بر ظهور آن مقدم شده و در نتیجه، از ظهور صیغه امر دست بر می‌داریم و به استحباب حمل می‌کنیم (اعرافی، ۱۳۹۴: ۲۸۷ و ۲۸۸). در بیان احتمال دوم نیز این‌گونه ذکر می‌گردد که دلالت آن بر جامع بین وجوب و استحباب است. بنابراین در بیان هر دو احتمال رعایت اصالة الاطلاق شده است.

۶. در بیان دلیل دوم از ادله عمومی غیر الزامی جاری در «تربیت جنسی» در مقاله «قواعد عمومی جاری در ساحت تربیت جنسی در فقه تربیتی» (مطالعات فقه تربیتی، ش ۱۲: ۴۱-۷۳) استاد اعرافی زیدعزه در ضمن استناد به روایت «عَلَى بَنِي إِبرَاهِيمَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ دُرُسْتٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ ابْنِي هَذَا قَالَ تُحْسِنُ إِسْمَهُ وَ أَدَبَهُ وَ صَعَهُ مَوْضِعاً حَسَناً» (کلینی، ۶: ۴۸) با اشاره به عبارت «صَعَهُ مَوْضِعاً حَسَناً» می‌فرمایند: «...تعبیر به «صعه» ظهور در وجوب دارد و «موضعا حسنا» اطلاق دارد و شامل کلیه امور رجحانی، اعم از واجب و مستحب می‌شود». و در ادامه می‌فرمایند: «با توجه به این تعارض صدر و ذیل حدیث، یا باید از ظهور آن در وجوب دست برداشت و یا از اطلاق «موضعا حسنا» و یا به جامع بین وجوب و استحباب، حل کرد که راه سوم قوی‌تر به نظر می‌رسد. در مواردی که یقین به عدم وجوب داریم، بر استحباب حمل می‌شود». این بیان و کلام نیز گویای توجه ایشان به اصالة الاطلاق می‌باشد.

۲. اصالة الحقیقه

۱. در مقاله «آموزش حفظ قرآن در مهدهای کودک از منظر فقه تربیتی» (مطالعات فقه تربیتی، ش ۱۰: ۲۹-۵۲) در بخش مفاهیم در خصوص معنا و مفهوم تعلیم می‌فرماید: «... واژه معلم درباره انسان، انصراف به تعلیم اعتباری دارد، اما درباره خداوند ظهور در تعلیم تکریمی و حقیقی دارد.»

۲. در همان مقاله در روایات «وَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يَحْسِنَ إِسْمَهُ وَيَحْسِنَ أَدَبَهُ وَيَعْلَمَهُ الْقُرْآنَ» (سید رضی، ۱۴۳۱: ۳۹۱) واژه «حق» ملازمه قطعی با الزام ندارد؛ چراکه حقوق، ذو مراتب و ذو مدارج بوده و شامل الزام و رجحان می‌شود. برخی از حقوق، اقتضای وجوب دارد و برخی بر اساس قرائن یا مناسبت حکم و موضوع، جنبه اخلاقی داشته و اقتضای وجوب ندارد. بنابراین استعمال حق در الزام و استحباب، حقیقی است و این‌گونه نیست که در غیر الزامیات، مجازی باشد.

آنچه با کنکاش در آثار استاد و اکاوی مکتوبات ایشان و تحت نظر ایشان، به دست آمده و مشاهده گردید، این است که دو اصل مورد اشاره (اصالة الاطلاق و اصالة الحقیقه) در سطح آثار ایشان مورد توجه قرار گرفته، لکن سه اصل دیگر استنباط لفظی یعنی اصالة العموم، اصالة عدم التقدير و اصالة الظهور به صورت صریح مورد اشاره واقع نشده است.

دو نکته پایانی

۱. عمده آثار استاد اعرافی زیدعزه بر مبنای تبیین وظیفه شرعی مکلف بوده است؛ هرچند مبنای بعضی آثار ایشان را می‌توان مواجهه انتقادی مفهومی و فلسفی ذکر نمود. مانند مقاله «جواز» آموزش درباره ادیان» از منظر فقه تربیتی» (مطالعات فقه تربیتی، ش ۷: ۷-۳۶).

۲. استاد اعرافی زیدعزه با پرداختن به فقه تربیتی که به نوعی تولید علم دینی در حوزه علوم تربیتی است، این نکته را به اثبات رسانده‌اند که پایه‌های علوم تربیتی اسلامی و تولید نظریه در زمینه تربیت اسلامی، بر فلسفه تربیت اسلامی و فقه تربیتی استوار است. چه این که هدف از فقه تربیتی، تأمین ضرورت بنیادی و نیز پاسخ‌گویی به مسایل مورد ابتلای جامعه در این قلمرو می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها

-
۱. مطالعه بیشتر: وبلاگ روش‌شناسی اجتهاد (روشنا)، نکات استاد علی‌دوست در نشست روش‌شناسی فقه معیار، ضرورت‌ها و آسیب‌ها - ۶ اردیبهشت ۱۳۹۷.
 ۲. با همکاری حجت‌الاسلام دکتر شهابت (زید عزه).

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، مکتب الإعلام الإسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
- اعرافی، علیرضا، ابراهیمی، جواد، «وظیفه خانواده در تربیت دینی فرزندان از منظر سیره»، *دوفصلنامه مطالعات فقه تربیتی*، سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸ش.
- _____، *احکام تربیت فرزند*، تحقیق و نگارش: سیدنقی موسوی، مؤسسه اشراق و عرفان، قم، ۱۳۹۳ش.
- _____ امامی‌راد، احمد، موسوی، سیدعباس، مشهدی‌علی‌پور، مریم، «قواعد عمومی جاری در ساحت تربیت جنسی در فقه تربیتی»، *دوفصلنامه مطالعات فقه تربیتی*، سال ششم، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ش.
- _____ «تأثیرات دانش فقه بر مسائل دانش تربیت»، *فصلنامه پژوهش‌نامه فقهی*، سال سوم، شماره ۵، پاییز ۱۳۹۰ش.
- _____ «تأثیرات فقه بر نظام تربیتی»، *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، سال نهم، شماره ۳۶، اسفند ۱۳۹۵ش.
- _____ *تربیت فرزند با رویکرد فقهی*، تحقیق و نگارش: سیدنقی موسوی، مؤسسه اشراق و عرفان، قم، ۱۳۹۵ش.
- _____ طرقی، مجید و حسین مولودی، «بررسی قاعده فقهی علم نافع در تعلیم و تعلم»، *دوفصلنامه مطالعات فقه تربیتی*، سال پنجم، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ش.
- _____ *فقه تربیتی (ج ۱)*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، قم، ۱۳۸۷ش.
- _____ *فقه تربیتی (مبانی و پیش‌فرض‌ها)* [ویراست دوم]، تحقیق و نگارش: سیدنقی موسوی، مؤسسه اشراق و عرفان، قم، ۱۳۹۱ش.
- _____ *فقه تربیتی*، تحقیق و نگارش: سیدنقی موسوی، مؤسسه اشراق و عرفان، قم، ۱۳۹۵ش.

- _____ کاظمی، سید عنایت‌الله، «آموزش حفظ قرآن در مهدهای کودک از منظر فقه تربیتی»،
دوفصلنامه مطالعات فقه تربیتی، سال پنجم، شماره ۱۰، پاییز وزمستان ۱۳۹۷ش.
- _____ کاظمی، سید عنایت‌الله، «بررسی تعلّم حدیث از منظر فقه تربیتی»، *دوفصلنامه مطالعات فقه تربیتی*، سال سوم، شماره ۶، پاییز وزمستان ۱۳۹۵ش.
- _____ مبلغ، محمداکرم، «حکم فقهی استفاده از بازی در تربیت»، *دوفصلنامه مطالعات فقه تربیتی*، سال دوم، شماره ۴، پاییز وزمستان ۱۳۹۴ش.
- _____ محمودیان، حسین، شهامت، احمد، «وظیفه‌مندی عمومی در تربیت اخلاقی در فقه تربیتی»، *دوفصلنامه مطالعات فقه تربیتی*، سال پنجم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۷ش.
- _____ موسوی، سید نقی، «جواز آموزش درباره ادیان از منظر فقه تربیتی»، *دوفصلنامه مطالعات فقه تربیتی*، سال چهارم، شماره ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۶ش.
- _____ مهری‌رمی، تقی، «بررسی نقش مدارا در تعلیم و تربیت ارزش‌های عبادی با رویکرد فقهی»، *دوفصلنامه مطالعات فقه تربیتی*، سال پنجم، شماره ۱۰، پاییز وزمستان ۱۳۹۷ش.
- _____ پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحه*، دنیای دانش، تهران، ۱۳۸۲ش.
- _____ تقوی، سید مرتضی، «جایگاه فقه در اندیشه دینی»، *مجله فقه اهل بیت*، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۴ش.
- _____ جوهری، اسماعیل بن حماد، *صحاح اللغة*، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷ق.
- _____ حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۷ش.
- _____ الحسنی، سلیم، *نقش علمای شیعه در رویارویی با استعمار*، ترجمه: صفاء الدین تهرانیان، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران، ۱۳۷۸ش.
- _____ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، دارالقلم، بیروت، ۱۴۱۶ق.
- _____ ساروخانی، باقر، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵ش.
- _____ صدر، سید محمدباقر، *دروس فی علم الأصول*، دار الکتب اللبنانی، بیروت، ۱۴۰۶ق.
- _____ طباطبائی، سید محمدرضا، *صرف ساده*، قم، دارالعلم، ۱۳۷۹ش.
- _____ طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الاخلاق*، الشریف الرضی، قم، ۱۳۸۶ش.
- _____ طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الأحکام*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۴ش.

- عبدالباقی، محمدفؤاد، *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۲ش.
- عبدالناصر، جمال، *موسوعة فی الفقه الاسلامی*، مؤسسة الفكر الاسلامی، قم، ۱۴۰۷ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، دار الهجرة، قم، ۱۴۰۹ق.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *قاموس المحيط*، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.
- گرچی، ابوالقاسم، *تاریخ فقه و فقهها*، سمت، تهران، ۱۳۷۷ش.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- محقق حلی، *شرایع الاسلام فی مسایل الحرام*، اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸ق.
- مطهری، مرتضی، *کلیات علوم اسلامی*، صدرا، تهران، ۱۳۵۸ش.
- ممدوحی، حسن، *حکمت حکومت فقیه*، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵ش.
- موسوی، سید نقی، «درآمدی بر فلسفه فقه تربیتی»، *فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، سال بیست و چهارم، شماره ۳۰، بهار ۱۳۹۵ش.
- مؤسسة دائرة المعارف الفقه الاسلامی، *موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب*
- اهل البيت* عليه السلام، انتشارات مؤسسة دائرة المعارف الفقه الاسلامی، قم، ۱۴۲۳ق.
- سایتها
- سایت حوزه.
- ویکی فقه.
- سایت مؤسسه اشراق و عرفان.
- وبلاگ روش شناسی اجتهاد (روشنا).